



## نقش ارتباطات در توسعه‌ی مالزی: پیشینه‌ی تاریخی، نظام حقوقی و چشم‌انداز آتی

عباس قنبری باغستان<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۲۵، تاریخ تایید: ۹۳/۵/۲۵

### چکیده

هدف این مقاله تحلیل ساختار و نظام ارتباطی مالزی و بررسی تأثیر آن در فرآیند توسعه‌ی این کشور، به ویژه پس از استقلال است. در واقع از آنجایی که مالزی همواره به عنوان یکی از الگوهای موفق توسعه در بین کشورهای در حال توسعه و مسلمان مطرح است، پرسش تحقیق این است که ساختار ارتباطات و نظام رسانه‌ای این کشور چه نقشی در فرآیند توسعه ایفا کرده است. برای پاسخگویی به این پرسش از روش تحقیق اسنادی نیز بررسی تحقیقات صورت گرفته در زمینه‌ی نقش ارتباطات در توسعه‌ی ملی کشور مالزی استفاده شده است. بر اساس نتایج تحقیق، وضعیت ارتباطات و نظام رسانه‌ای مالزی به پیروی از نیروها و گرایش‌های سیاسی و فرهنگی - اجتماعی این کشور از زاویه‌ی دو نوع نگاه قابل بررسی است. ۱- نگاه رسمی (دولتی) مبنی بر ضرورت انطباق با شرایط بومی و داخلی برای توسعه و امنیت اجتماعی و ۲- نگاه آلترناتیو (منتقد) مبنی بر ضرورت انطباق با استانداردهای جهانی مبنی بر نظریه‌های آزادی و لیبرالیستی. بر اساس نگاه دولتی و رسمی، رسانه‌ها و فضای ارتباطی در مقیاسی فراتر بخشی از «گفتمان توسعه» بوده و بر این اساس رسانه‌ها و وسایل ارتباطی نه به اعتبار رکن چهارم دموکراسی، بلکه به اعتبار نقشی که می‌توانند در توسعه ایفا کنند، مورد توجه هستند. در مقابل، بر اساس نگاه آلترناتیو، رسانه‌ها و وسایل ارتباطی یکی از ارکان اصلی حکومت‌مداری بوده که باید به صورت مستقل (رکن چهارم) به رسمیت شناخته شده و از تقلیل آن به نقش ابزاری در راستای دستیابی به سایر اهداف، از جمله حفظ وضع موجود، اجتناب شود. از نظر تاریخی، رسانه‌ها و فضای ارتباطی مالزی همواره در کشاکش بین دو این گرایش قرار داشته و توازن یا عدم توازن بین دو گرایش بالا در مقاطع تاریخی مختلف، به ویژه پس از استقلال، تأثیر زیادی در چگونگی توسعه‌ی کمی و کیفی رسانه‌های ارتباطی، سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری ارتباطی و نیز نقشی که آن‌ها در توسعه‌ی این کشور ایفا کرده‌اند، داشته است.

واژگان کلیدی: مالزی، توسعه، نظام مطبوعاتی، نظام رسانه‌ای، مشارکت اجباری، کنترل دموکراسی.

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران | Ghanbari.abbas@ut.ac.ir

## مقدمه

برای شناخت پدیده‌ی ارتباطات و رسانه‌های جمعی در کشور مالزی، باید دو نوع نگاه و برداشت کلی از این کشور را که یکی بر اساس الگو و پارادایم شرقی از توسعه و دیگری بر اساس الگو و پارادایمی غربی از توسعه شکل گرفته است، از هم تفکیک کرد.

نگاه اول، نگاهی است که به مالزی به عنوان یک کشور شرقی و در حال توسعه می‌نگرد که در طول نزدیک به شش دهه از زمان استقلال تلاش کرده است به تناسب مقتضیات سیاسی، فرهنگی، قومی و نژادی، خود به الگویی بومی از توسعه و امنیت دست یابد و تا حدودی هم، به ویژه در زمینه‌های اقتصادی، صنعتی و فناوری ارتباطات و اطلاعات، به موفقیت دست یافته است. این نگاه به ویژه در بین کشورهای جهان سوم و شرقی، طرفداران زیادی دارد.

بر اساس این نگاه، ارتباطات و رسانه در نگاهی فراتر، یکی از مؤلفه‌های «گفتمان توسعه و امنیت» بوده و دولت همواره توانسته به اقتضای شرایط تاریخی که در آن قرار داشته است، از ظرفیت‌ها و پتانسیل ارتباطات به صورت کاملاً هدایت شده‌ای به بهترین نحو در راستای دستیابی به اهداف توسعه‌ای و امنیتی همچون «ایجاد هارمونی»، «تقسیم قدرت» و «ساخت دولت-ملت» جدید مالزی استفاده کند. در چنین پارادایمی، مفاهیمی همچون «دموکراسی»، «استقلال و آزادی رسانه‌ها» و «جریان آزاد اطلاعات و ارتباطات» جایگزین مفاهیمی همچون «کنترل دموکراسی»، «استقلال محدود و آزادی هدایت شده‌ی رسانه‌ها» و «جریان محدود و همراه با مسئولیت اطلاعات و ارتباطات» می‌شود.

نگاه دوم، نگاهی است که به پیروی از استانداردهای غربی و بر اساس نظریه‌های لیبرال-دموکراسی به ترسیم تصویری از مالزی پرداخته و بیشتر در بین اندیشمندان غرب‌گرا طرفدارانی دارد. این نگاه به مالزی به عنوان یک کشور جهان‌سومی در حال توسعه می‌نگرد که در آن اصول اساسی دموکراسی به بهانه‌ی توسعه و امنیت اجتماعی، نقض شده است.

در چارچوب این نگاه، دولت در مالزی همواره از سازوکارهای نامتعارف برای نظارت و کنترل بر رسانه‌ها و فضای ارتباطی استفاده کرده است؛ به طوری که رسانه‌ها و وسایل ارتباطی از جایگاه خود به عنوان رکن چهارم دموکراسی تقلیل و به ابزاری در دست دولت و نگاه حاکم تبدیل شده است. مرجع اصلی این نوع نگاه نیز گزارش‌های سازمان‌های جهانی در خصوص رده‌بندی کشورها بر اساس شاخص‌های دموکراسی و توسعه، همچون آزادی مطبوعات، آزادی بیان و آزادی برگزاری تجمعات اعتراض‌آمیز است.

هر دو نوع نگاه در درون کشور مالزی نیز دارای پایگاه و نیروهای هوادار سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و آکادمیک قوی بوده و به دنبال آن می‌توان گرایش‌های موجود در درون این کشور

به رسانه‌ها و وسایل ارتباطی را به دو گرایش ۱- دولتی (نگاه رسمی و حاکم) که طرفدار الگوی ارتباطی و رسانه‌ای بومی است و ۲- آلترناتیو (نگاه منتقد و مخالف) که طرفدار الگوی رسانه‌ای و ارتباطی غربی است، تقسیم کرد. با این تأکید که با توجه به نظام سیاسی و سیستم «دولت پیوسته» در این کشور، گرایش رسمی و دولتی به رسانه‌ها و وسایل ارتباطی همواره غالب بوده و محور اصلی سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های ارتباطی بوده است. هرچند در مقطعی همچون سال‌های اخیر و پس از موج جهانی‌سازی و ظهور جامعه‌ی اطلاعاتی، بروز انقلاب‌های مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی در کشورهای خاورمیانه و گسترش اثرات آن به مالزی، تغییرات موازنه‌ای زیادی به نفع گرایش آلترناتیو و منتقد نیز ایجاد شده است.

### پرسش تحقیق

مسئله‌ی اصلی در این تحقیق، نقش و جایگاه ارتباطات و نظام رسانه‌ای مالزی در توسعه‌ی این کشور است. در واقع با توجه به وجود دو نوع گرایشی که به ساختار ارتباطات و نظام رسانه‌ای این کشور وجود دارد، پرسش اصلی این است که ساختار ارتباطات و نظام رسانه‌ای مالزی به چه صورت است؟ گرایش غالب در این کشور کدام است؟ و چشم‌انداز و چالش‌های پیش‌رو ساختار ارتباطات و نظام رسانه‌ای مالزی به ویژه با توجه به تغییرات بنیادین پس از آغاز قرن ۲۱ کدام است؟

### روش تحقیق

برای پاسخگویی به مسئله‌ی اصلی این تحقیق و نیز پرسش‌هایی که مطرح شد، از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. در این تحقیق، صرف‌نظر از مباحث تاریخی مورد بحث، قانون اساسی مالزی، برنامه‌های توسعه، به ویژه برنامه‌ی چشم‌انداز توسعه‌ی ۲۰۲۰ و دیگر قوانین رسانه‌ای و گزارش‌های رسمی این کشور به عنوان متون مرجع و متون علمی، دانشگاهی و ارتباطی نیز به عنوان چارچوب تحلیل مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین برخی از تحقیقات پیشین انجام شده در ارتباط با ساختار ارتباطی و رسانه‌ای مالزی نیز به عنوان منابع تحلیلی ثانویه مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

### تاریخچه‌ی ظهور و گسترش رسانه‌های جمعی در مالزی

#### مطبوعات و رسانه‌های چاپی

نخستین روزنامه‌ای که در مجمع‌الجزایر مالایا (مالزی کنونی) به اضافه‌ی کشورهای سنگاپور و

برونئی دارالسلام) منتشر شده، یک نوع «مجله‌ی دولتی»<sup>۱</sup> بوده که در سال ۱۸۰۶ و به زبان انگلیسی منتشر می‌شده است. این روزنامه که بعدها به مجله‌ی «جزیره‌ی شاهزاده ولز»<sup>۲</sup> تغییر نام داد، برای نیروهای استعماری آن زمان منتشر می‌شده است.<sup>۳</sup> اما نخستین روزنامه‌ای که به زبان مالایی در مجمع‌الجزایر مالایا منتشر شد، «جاوی پراناکان» نام داشت که در سال ۱۸۷۶ در شهر سنگاپور<sup>۴</sup> به چاپ می‌رسید.

نخستین روزنامه‌ی جدیدی که در تاریخ معاصر مالزی و پس از استقلال منتشر شد، «بریتانیا» نام داشت. پس از آن سه روزنامه‌ی مالایی‌زبان دیگر نیز منتشر شدند که عبارت بودند از روزنامه‌ی «اوتاسان مالزی» در سال ۱۹۶۷، روزنامه‌ی «اوتان» در سال ۱۹۷۷ و روزنامه‌ی «هاریان مترو» در سال ۱۹۹۱ که عصرها منتشر می‌شد.<sup>۵</sup>

### رادیو

نخستین شبکه‌ی رادیو در مالزی در سال ۱۹۳۵ و همزمان با راه‌اندازی ایستگاه پخش «بریتانیا مالایا» در کوالالمپور که برنامه‌های محدودی را برای مردم کوالالمپور پخش می‌کرد، به صورت رسمی آغاز به کار کرد. پس از استقلال مالزی در سال ۱۹۵۷، پایگاه‌های مرکزی رادیو «مالایا» در سال ۱۹۵۹ از سنگاپور به کوالالمپور، پایتخت امروزی مالزی انتقال یافت. همچنین پس از استقلال سنگاپور از مالزی در سال ۱۹۶۳، رادیو «مالایا» نیز تبدیل به رادیو «ملی مالزی» شد.<sup>۶</sup> رادیو مالزی دارای ایستگاه‌های پخش محلی و منطقه‌ای نیز هست که در مراکز ایالت‌ها دایرند.

پدیده‌ی نوظهور دیگر در ارتباط با رادیو در کشور مالزی، «رادیو دانشگاهی»<sup>۷</sup> است که از سال ۲۰۰۰ به بعد با توجه به سیاست‌های دولت با هدف بین‌المللی ساختن نظام آموزش عالی و نیز جذب دانشجویان بین‌المللی با هدف تبدیل شدن به مرکز دانشگاهی و آموزش عالی منطقه‌ی جنوب شرق آسیا مورد توجه دانشگاه‌های مالزی قرار گرفت.

کمیسیون ارتباطات و چندرسانه‌ای مالزی<sup>۸</sup> در سال ۲۰۰۷ و به دنبال درخواست مکرر دانشگاه‌ها برای ایجاد ایستگاه‌های رادیویی در درون دانشگاه‌ها، اقدام به تدوین دستورعمل و

1. Government Gazette
2. Prince of Wales Island Gazette
3. Ming Kuok, M., 2007

۴. کشور سنگاپور تا سال ۱۹۶۸ بخشی از کشور مالزی بود.

5. Yusof Hussain, M., 2006
6. Yusof Hussain, M., 2006
7. Campus Radio
8. The Malaysian Communications and Multimedia Commission (MCMC)

قوانین راه‌اندازی «رادیو دانشگاهی» نموده و در همین سال مجوز لازم برای راه‌اندازی چنین ایستگاه‌هایی در چندین دانشگاه بزرگ و معتبر این کشور را صادر نمود. در زمان حاضر تقریباً عمده دانشگاه‌های بزرگ مالزی اعم از خصوصی و دولتی دارای ایستگاه‌های پخش رادیویی در درون کمپ‌های خود هستند که از آن جمله می‌توان به رادیو دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی، رادیو دانشگاه «یو. پی. ام» و رادیو دانشگاه «لیم کوک وینگ» اشاره کرد (قنبری، عباس، ۱۳۹۳).

### تلویزیون

تلویزیون مالزی در ۲۸ دسامبر سال ۱۹۶۳ آغاز به کار کرد. در ۱۷ نوامبر سال ۱۹۶۹ شبکه‌ی دوم نیز راه‌اندازی شد. در سال‌های آغازین، شبکه‌های تلویزیونی برنامه‌ها را به صورت سیاه‌وسفید پخش می‌نمودند، اما از ۲۸ دسامبر سال ۱۹۷۸ برنامه‌های تلویزیونی به صورت تمام‌رنگی پخش شدند.<sup>۱</sup>

در مالزی، نقش اصلی تلویزیون اطلاع‌رسانی، آموزش، سرگرمی و اشاعه‌ی وحدت ملی تعریف شده است. اگرچه اغلب برنامه‌های تفریحی برگرفته از کشور آمریکا هستند اما به دقت و بر اساس معیارها و تقسیم‌بندی‌های مختلف کنترل می‌شوند. این برنامه‌ها اغلب به دو دسته تقسیم می‌شوند: برنامه‌های عمومی (یو) و برنامه‌های بزرگسالان. برنامه‌های بزرگسالان نیز به چهار دسته‌ی متفاوت تقسیم‌بندی می‌شوند: برنامه‌های فاقد صحنه‌های خشونت‌بار و ترسناک که در رده‌ی «اس. جی» قرار می‌گیرند، برنامه‌های فاقد صحنه‌های غیراخلاقی که در رده‌ی «اس. اِکس» جای دارند، برنامه‌هایی با عوامل سیاسی، مذهبی و ضد فرهنگی که در دسته‌ی «پی. ای» قرار می‌گیرند و برنامه‌هایی با دو یا چند عامل که باعث بالا بردن حساسیت می‌شوند و جزو گروه «پی. ال» به حساب می‌آیند.<sup>۲</sup>

### وضعیت کنونی رسانه‌ها و وسایل ارتباطی مالزی

در زمان حاضر بیش از ۴۰ روزنامه‌ی چاپی به چهار زبان انگلیسی، مالایی، چینی و هندو به صورت روزانه در مالزی منتشر می‌شوند. در این بین، روزنامه‌های «استار»، «نیو استریتز تایمز»<sup>۳</sup>، «سان»<sup>۴</sup> و «بیزینس تایمز»<sup>۵</sup> به زبان انگلیسی، روزنامه‌های «اوتوسان مالیزیا»<sup>۶</sup> و

1. ent, J. A, 1978  
2. hattab, U., 2006  
3. New Straits Times  
4. The Sun  
5. Business Times  
6. Utusam Malaysia

«هاریان مترو»<sup>۱</sup> به زبان مالایی، روزنامه‌های «سین چیو»<sup>۲</sup>، «جیت پوه»<sup>۳</sup> و «ایانگ سیانگ پائو»<sup>۴</sup> به زبان چینی، اصلی‌ترین روزنامه‌های این کشور هستند. همچنین نسخه‌ی آنلاین و الکترونیکی عمده‌ی روزنامه‌های چاپی مالزی نیز در اینترنت قابل دسترس است.

روزنامه‌ی هاریان مترو با حدود ۴۰۰ هزار تیراژ و سه میلیون و هفتصد هزار خواننده و روزنامه‌ی استار با ۲۹۰ هزار تیراژ و یک میلیون و یکصد هزار خواننده، پرتیراژترین و پرخواننده‌ترین روزنامه‌های این کشور هستند.

در خصوص شبکه‌های دیداری و تصویری، تقریباً تمامی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی این کشور در انحصار دولت و شرکت‌های وابسته به آن قرار دارند. در زمان حاضر، سازمان رادیو و تلویزیون مالزی<sup>۵</sup> بیش از ۵۰ ایستگاه رادیویی، هشت کانال تلویزیون رایگان و سه شبکه‌ی پولی (که شامل فهرست بلندبالایی از کانال‌های تلویزیونی داخلی و تجاری است) فعال دارد.

همچنین شرکت نیمه‌دولتی/استرو<sup>۶</sup> نیز مسئولیت مدیریت برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای خارجی را بر عهده داشته و این شرکت پس از رصد، سانسور و تفکیک برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای خارجی، آن‌ها را به صورت پولی (اشتراکی) در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. در واقع شرکت استرو، سازوکار دولت مالزی برای کنترل، رصد و سانسور شبکه‌های ماهواره و ارائه‌ی آن در قالب بسته‌های سالم به صورت پولی به مخاطبان داخلی این کشور است.

در کنار رسانه‌های جمعی چاپی و تصویری، «روزنامه‌نگاری آنلاین»<sup>۷</sup> نیز به ویژه از سوی نیروهای اپوزیسیون و مخالف مورد توجه خاص قرار گرفته‌اند. از جمله پیشروترین روزنامه‌های آنلاین در مالزی می‌توان به مالیزیا کینی (مالزی کنونی) و مالیزیا اینسایدر اشاره کرد. هر دوی این وبسایت‌ها اغلب دارای مطالب انتقادی در خصوص عملکرد دولت حاکم هستند.

به موازات رسانه‌های آنلاین، شبکه‌های اجتماعی نیز به طور قابل توجهی مورد توجه جامعه‌ی این کشور قرار گرفته است. در واقع با توجه به مالکیت و کنترل دولت بر رسانه‌های جمعی، رسانه‌های اجتماعی به عنوان رسانه‌های آلترناتیو مورد توجه جامعه‌ی جوان با هدف تبادل آزاد اطلاعات و ارتباطات قرار گرفته است. در زمان حاضر ۶۶ درصد جمعیت بیش از ۲۹ میلیونی این کشور به اینترنت دسترسی دارند. همچنین دو سوم کاربران اینترنت را قشر بین ۲۱ تا ۴۰ سال تشکیل می‌دهند.

1. Harian Metro
2. Sin Chew
3. Jit Poh
4. Nanyang Siang Pau
5. Radio & TV Malaysia(RTM)
6. Astro
7. Only Online Journalism

«فیسبوک» و «توییتر» دو رسانه‌ی اجتماعی محبوب در بین مالزیایی‌های به شمار می‌آید. بر اساس آمار جهانی، در سال ۲۰۱۳ بیش از ۱۴ میلیون کاربر فیسبوک و یک میلیون و ۳۰۰ هزار کاربر توییتر در مالزی فعال بوده‌اند.<sup>۱</sup> همچنین عمده‌ی رهبران سیاسی، اجتماعی و مذهبی مالزی هم در جناح حاکم و هم در جناح اپوزیسیون در فیسبوک، بلاگ و توییتر فعال هستند.

### سیاست‌های کلان‌توسعه‌ای و نقش ارتباطات در توسعه و امنیت ملی: نگاه حاکم

مالزی از زمان استقلال در سال ۱۹۵۷، مهمترین محور و جهت سیاست‌های توسعه‌ای و امنیتی‌اش «مدیریت اقوام و نژادها»<sup>۲</sup> بوده است، امری که با توجه به محوریت سه اصل «اسلام، نظام پادشاهی و حاکمیت نژاد مالایی» در قانون اساسی به خصوص با توجه به تکثر قومی، نژادی، دینی و زبانی در این کشور همواره با چالش‌های اساسی مواجه بوده است. لذا حاکمیت نوپای مالزی و با هدف «ساخت ملت»<sup>۳</sup> جدید باید به مسائل و موضوعات با اهمیتی همچون روابط بین اقوام و مدیریت همزیستی مسالمت‌آمیز<sup>۴</sup> آن‌ها در تمامی زمینه‌ها اعم از سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی می‌پرداخت.

این سبک از مدیریت جامعه که در ادبیات توسعه از آن به عنوان «مدل مشارکتی مبتنی بر تقسیم قدرت»<sup>۵</sup> در تمامی ابعاد از آن یاد می‌شود، سنگ زیرین تمامی برنامه‌های توسعه‌ی مالزی اعم از کوتاه‌مدت و بلندمدت بوده و در جای‌جای این برنامه‌ها هدف بنیادین «ایجاد و حفظ ثبات سیاسی و مدیریت طبیعت متمایل به تفرقه‌ی جامعه‌ی ناهمگون<sup>۶</sup> این کشور» به چشم می‌خورد.<sup>۷</sup>

«تون عبدالرحمن»، اولین نخست‌وزیر مالزی در سخنرانی تاریخی خود پس از استقلال این کشور در میدان «مرداکا» مأموریت اصلی دولت خود را چنین شرح می‌دهد که «یک فوریت اساسی برای ایجاد نوعی آگاهی در میان اقوام مختلف در ارتباط با شخصیت و ویژگی دولت-ملت جدید»<sup>۸</sup> وجود دارد. همچنین فوریت اساسی برای ایجاد نوعی آگاهی بین اقوام در خصوص ضرورت تقسیم قدرت<sup>۹</sup>، روحیه‌ی همکاری و فداکاری، قدرت‌بخشی به تمامی

1. Ming Kuok, L., 2013
2. Ethnic Management
3. Nation Building
4. Peacefull Co-Existence
5. Consociational Model
6. Managing Divise Nature of the Heterogeneous Society
7. Gomez, E.T. 2004
8. The Character of new State-Nation
9. Sharing Power



اقلیت‌های قومی، مذهبی و نژادی در کشور وجود دارد.<sup>۱</sup> وی بی‌فاصله از رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی برای کمک به دولت برای دستیابی به اهداف بالا استمداد طلبیده و دستور تشکیل نخستین «انستیتوی روابط عمومی»<sup>۲</sup> مالزی برای انسجام‌بخشی به فعالیت‌های این حوزه را مطرح و مورد حمایت قرار داد.<sup>۳</sup>

پس از وی، «تون عبدالرزاق»، دومین نخست‌وزیر مالزی نیز در سال ۱۹۷۲ در مورد اهمیت ارتباطات و روابط عمومی گفته بود که «وظیفه‌ی اصلی و اولیه‌ی روابط عمومی در ساختن ملت<sup>۴</sup> نه تنها اطلاع‌رسانی بلکه تحریک و تشویق مردم به کنش و عمل است. در این خصوص، دولت بر اهمیت روابط عمومی در رسیدن به اهداف توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی واقف است. روابط عمومی باید پیام دولت را به اقشار مختلف مردم رسانده و اطمینان یابد که آن‌ها آن را درک کرده و فهمیده‌اند»<sup>۵</sup>. تون عبدالرزاق سپس به نقش رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی در اطلاع‌رسانی و افزایش هوشیاری ملی اشاره و دستور تشکیل اولین انجمن صنفی مطبوعاتی این کشور با هدف هماهنگی و انسجام با دولت در مدیریت افکار عمومی و در راستای سیاست‌های ملی دولت را صادر می‌کند.

«تون ماهاتیر محمد» که از وی به عنوان معمار مالزی مدرن و نیز مبدع طرح چشم‌انداز توسعه‌ی بلندمدت مالزی موسوم به مالزی ۲۰۲۰ یاد می‌شود، در طول ۲۳ سال صدارتش نیز از همین سیاست پیروی می‌کند. ماهاتیر محمد با طرح نظریه‌ی «کنترل دموکراسی» یا آنچه در محافل سیاسی «ماهاتیریسلم» نامیده شد، به دنبال پیاده‌سازی الگوی جدیدی از حکومت‌مداری بود که در عین دموکرات بودن، یعنی انتخاب به وسیله‌ی مردم، دارای خط و مرزهای مشخص و معین در همه‌ی حوزه‌ها و برای همه باشد. در واقع «کنترل دموکراسی» ماهاتیر محمد به معنای خودرأیی و استبداد از نوع نین-استالینی یا هر آنچه «اراده‌ی معطوف به خود» نامیده شده، نیست؛ بلکه در مقابل، نوعی حکومت‌مداری سازنده، ترقی‌خواه و معطوف به اهداف توسعه‌ای به دقت طراحی شده است که بر اساس آن برخی منافع اقلیت‌ها فدای منافع اکثریت خواهد شد. وی این نوع حکومت‌مداری را برای کشورهایی همچون مالزی با توجه به تنوع قومی، نژادی، دینی و زبانی این کشور و نیز عدم پیشینه‌ی تمدنی روشن، نه تنها مفید، بلکه ضروری نیز می‌داند.

ماهاتیر محمد در سال ۲۰۰۱ در مقدمه‌ی کتابش در خصوص برنامه‌ی چشم‌انداز توسعه‌ی

1. Hamzah, A., 2009
2. Institute of Public Relation Malaysia (IPRM)
3. Syed Arabi Idid, 2005
4. Nation Building
5. Safar Hashim, M. 2006
6. Malaysia 2020 Vision

بلندمدت مالزی (مالیزیا، ۲۰۲۰) می‌نویسد «مالزی برای مدت نه چندان طولانی -۴۷ سال- مستقل بوده است. در این مدت ما به رغم طبیعت متضاد، گرایش‌های ضد و نقیض و روابط در حد انفجار میان اقوام در کشور، تلاش کردیم تا کشور را آرام نگه داریم<sup>۱</sup>». وی در ادامه به انتقادات بین‌المللی از شیوه‌ی مدیریتی این کشور به ویژه در ارتباط با رسانه‌ها و وسایل ارتباطی و نیز جریان ارتباط در این کشور پرداخته و می‌نویسد: بدیهی است که ادعا شود تنها رسانه‌های آزاد قادر هستند رسانه‌های مؤثری باشند. اما دغدغه‌ی ما این است که آیا تنها رسانه‌های آزاد قادرند ثبات و صلح و امنیتی که ما از سال ۱۹۵۷ از آن برخوردار هستیم را تضمین کنند؟ واقعیت این است که جامعه‌ی ما برای مدت ۳۲ سال به خاطر ارزش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایجاد شده یا به عبارتی «شخصیت جدید ملت» با ثبات بوده است، نه به خاطر داشتن مطبوعات آزاد<sup>۲</sup>.

خطمشی و سیاست‌هایی که تون ماهاتیر محمد در سند راهبردی و برنامه‌ی توسعه‌ی بلندمدت این کشور (مالزی ۲۰۲۰) ترسیم نمود، در دوران معاصر نیز همچنان سرلوحه‌ی برنامه‌های دولت‌های پس از وی، به ویژه دولت نجیب تون رزاق (۲۰۰۸ - ادامه دارد) بوده است. نجیب تون رزاق، نخست‌وزیر کنونی مالزی در دسامبر سال ۲۰۱۱ در سخنرانی گزارش عملکرد سالانه‌ی خود در پارلمان این کشور گفت که «مدیریت بهینه‌ی منابع داخلی در قالب برنامه‌های توسعه‌ی ملی»، «مدیریت موفق بحران روابط اقوام و نژادها»، و نیز «تقویت اعتماد ملی مالزیایی‌ها» سه راهکار راهبردی و مدیریتی تون ماهاتیر محمد در دوران ۲۳ سال زمامداری‌اش در این کشور بوده است و ما نیز به آن پایبندیم.

با توجه سیاست‌های کلانی که همواره سرلوحه‌ی دولت‌های پیوسته‌ی مالزی بوده و بر اساس تقسیم‌بندی‌های رایج در مباحث مربوط به ارتباطات توسعه، باید گفت که رسانه‌ها و وسایل ارتباطی و به‌طور کل ارتباطات در مالزی برخلاف نظریه‌ها و مدل‌های ارتباطی غربی نه به اعتبار رکن چهارم دموکراسی بودن، بلکه به اعتبار نقشی که در توسعه و ثبات ملی این کشور ایفا می‌کنند، مورد توجه قرار داشته‌اند. به اعتبار همین نقش نیز دولت مالزی در چارچوب برنامه‌های توسعه‌ی کوتاه‌مدت و بلندمدتی که از ابتدای استقلال داشته، تلاش کرده است تا به نحو کاملاً هدایت شده‌ای از ظرفیت‌ها و پتانسیل آن در راستای اهداف توسعه استفاده و مشارکت آن‌ها را جلب کند.

نقشی هم که دولت‌های پیوسته‌ی مالزی برای رسانه‌ها و ارتباطات در توسعه متصور بوده‌اند، یک نقش هنجاری است؛ یعنی آنچه باید باشند، نه آنچه می‌توانند باشند و لذا بر اساس همین

1. Mahathir, M., 2001  
2. Abdul Samad Ismail, 1989

سیاست محوری در خصوص ارتباطات بوده است که دولت کلیه‌ی امور مربوط به سیاستگذاری، مدیریت و توسعه‌ی ارتباطات و روابط عمومی در کشور را با رویکردی هنجاری در قالب نهاد قدرتمندی به نام «وزارت اطلاعات» مالزی متمرکز کرده و این وزارتخانه بدون توجه به گزارش‌ها و گرایش‌های بین‌المللی در خصوص معیارها و استانداردهای جهانی در خصوص درجه‌ی آزادی مطبوعات، درجه‌ی آزادی بیان، میزان تکثرگرایی در رسانه‌های و وسایل ارتباط جمعی، مدل ارتباطی روابط عمومی دولتی در این کشور- به سیاستگذاری در خصوص توسعه‌ی کمی و کیفی وسایل ارتباطی و نیز تبیین نقشی که آن‌ها می‌توانند [و باید] در تداوم توسعه و حفظ ثبات ملی این کشور ایفا کنند، می‌پردازد.

### سازوکارهای کنترل و نظارت بر رسانه‌ها و وسایل ارتباطی

دو سازوکار عمده که همواره در طول بیش از پنج دهه‌ی گذشته و در راستای اهداف توسعه‌ای از سوی دولت مالزی برای کنترل و نظارت بر رسانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند، عبارتند از: الف- کنترل از طریق قانون‌گذاری ب- کنترل از طریق مالکیت. انتقاد از هر دو سازوکار، محور اصلی مخالفت منتقدان (نگاه آترناتیو) به وضعیت رسانه‌ها و وسایل ارتباطی این کشور بوده است.

#### الف- کنترل از طریق قانون‌گذاری

قانون اساسی مالزی<sup>۱</sup> اصلی‌ترین سند حقوقی و قضایی مورد استفاده‌ی دولت برای کنترل و نظارت بر رسانه‌ها و مطبوعات است که در زیر به برخی از مهمترین بندهای مربوط به وسایل ارتباط جمعی اشاره می‌شود:

#### ۱- آزادی بیان و آزادی اطلاعات

بند ۱۰ قانون اساسی مالزی آزادی اطلاعات و آزادی بیان برای تمام شهروندان مالزیایی از جمله رسانه‌ها را تضمین می‌کند. اما ماده‌ی دوم همین بند، آزادی ارائه شده را مطلق ندانسته و قانون‌گذار را برای رعایت مصالح ملی مجاز به محدود کردن آن دانسته است.

در خصوص رعایت مصالح ملی، طیف وسیعی از موضوعاتی همچون امنیت، نظم عمومی، حاکمیت نژاد مالایی، اصل اسلام، اصل نظام پادشاهی، روابط حسنه با دیگر کشورها، هارمونی بین اقلیت‌ها و... قید شده که بر اساس آن قانون‌گذار می‌تواند در هر زمانی و تحت هر شرایطی اقدام به محدودیت آزادی بیان و اطلاعات نماید. همچنین با توجه به پارلمانی بودن نظام حاکم بر مالزی و اینکه دولت خود برخاسته از درون پارلمان است، تفسیر حد و حدود آزادی بیان و

1. National Constitution of Malaysia

اطلاعات همواره به نفع دولت و در راستای اهداف و سیاست‌های آن بوده است. زهارم و مصطفی، به عنوان مثال، در بررسی بحران قومی-نژادی ماه می سال ۱۹۶۹، تحولات پس از آن را نقطه‌ی عطف و سیاهی در تاریخ «سیاست رسانه‌ای» مالزی دانسته و اشاره می‌کنند که در پی این بحران، پارلمان بیش از یکصد اصلاحیه در قانون اساسی این کشور اعمال کرد که عمده‌ی آن‌ها به محدودیت بیشتر آزادی بیان و اطلاعات انجامید.<sup>۱</sup>

## ۲- قانون مطبوعات چاپی و انتشار<sup>۲</sup>

این قانون مربوط به رسانه‌های چاپی بوده و بر «ضرورت اخذ مجوز برای هرگونه چاپ و نشر از وزارت کشور مالزی» تأکید دارد. بر اساس بند دوم این قانون، افزون بر نیاز به اخذ مجوز اولیه، کلیه‌ی رسانه‌های چاپی باید سالیانه با ارائه‌ی گزارشی از عملکرد خود، همچنین نسبت به تمدید مجوز (تمدید سالیانه) نیز اقدام کنند.

قانون مطبوعاتی چاپی و انتشار، همچنین برای مطبوعات چاپی خارجی که در داخل این کشور به فروش می‌رسند نیز مقرر می‌دارد که آن‌ها باید مبلغ کلانی پول به صورت وثیقه نزد دولت مالزی نگه دارند تا در صورت تخلف آن‌ها از قوانین مطبوعاتی این کشور، به ویژه قوانین امنیتی، یا امتناع از حضور در محاکم قضایی برای رسیدگی به شکایات واصله، مورد استفاده قرار گیرد.

بند دوم این قانون، ابزار اصلی دولت برای تعلیق مجوز رسانه‌ها یا حتی لغو دائمی آن بوده است. در سال ۱۹۸۶ و به دنبال تظاهرات گسترده‌ی مخالفان دولت در مرکز کوالالامپور، وزارت کشور مالزی مجوز چهار روزنامه را به طور همزمان لغو کرد. این چهار روزنامه اگرچه بعدتر با لابی‌های فراوان جواز انتشار مجدد خود را کسب کردند، اما انتشار آن‌ها هزینه‌ی استعفای ده‌ها روزنامه‌نگار و خانه‌نشینی آن‌ها همراه بود.

البته پارلمان مالزی در ماه آپریل سال ۲۰۱۲ قانون نیاز به تمدید مجوز سالانه را حذف کرد. بر اساس اصلاحیه‌ی پارلمان مالزی، مجوز اولیه‌ی نشریه‌های دائمی تلقی خواهد شد. در این اصلاحیه همچنین به روزنامه‌نگاران اجازه‌ی شکایت از وزارت کشور در خصوص نحوه‌ی نظارت این وزارتخانه بر آن‌ها داده شد.

با این وجود، دولت همچنان از «قانون نیاز به اخذ مجوز» به عنوان ابزاری برای کنترل رسانه‌ها و مطبوعات استفاده می‌کند. برای مثال درخواست انتشار روزنامه‌ی «مالیزی‌اکینی» از سوی احزاب مخالف که برای ۲۰ سال همواره رد می‌شد، حتی پس از اصلاح قانون نیز مسکوت ماند. جالب آنکه دادگاه قانون اساسی مالزی در اواخر سال ۲۰۱۲ «چاپ روزنامه را یک حقوق پایه‌ای و اساسی برای شهروندان دانست». به دنبال این حکم، دادگاه عالی مالزی نیز در تاریخ اکتبر

1. Zaharom, N., & Mustafa, K., A., 1998 & Saleem Faruqui, S. & Ramanathan, S. 1998.

2. Printing Press and Publication Act

سال ۲۰۱۲ در جریان رسیدگی به شکایت متقاضیان روزنامه‌ی «مالیزیاکینی»، «مخالفت وزارت کشور با انتشار این روزنامه را غیرقانونی دانسته و این وزارت‌خانه را مکلف به پرداخت پنج هزار رینگیت جریمه‌ی خسارت به متقاضیان این روزنامه کرد. با این وجود این روزنامه باز هم مجوز انتشار نگرفت و درخواست آن‌ها همچنان بایگانی شده است.<sup>۱</sup>

### ۳- قانون پخش<sup>۲</sup> مصوب سال ۱۹۸۸

این قانون در سال ۱۹۹۶ میلادی با قانون «ارتباطات و چند رسانه‌ای»<sup>۳</sup> جایگزین شد. بر اساس این قانون هرگونه پخش در این کشور اعم از رادیو و تلویزیون در اختیار دستگاه‌های دولتی و وابسته خواهد بود.

در زمان حاضر تمامی شبکه‌های رادیو و تلویزیون این کشور یا در اختیار سازمان دولتی رادیو و تلویزیون مالزی (آر. تی. ام) است یا در اختیار سازمان رسانه‌ای «مدیا پریما»<sup>۴</sup>. سازمان رسانه‌ای مدیا پریما که همچنین به عنوان غول رسانه‌ای و امپراتور رسانه‌های مالزی مشهور است، صاحب چهار شبکه‌ی تلویزیونی و سه شبکه‌ی رادیویی است. این شرکت در مالکیت حزب مالایی «آمنو»، اصلی‌ترین حزب در ائتلاف حاکم بر مالزی قرار دارد. افزون‌بر دو سازمان ذکر شده، سازمان نیمه‌دولتی «استرو»<sup>۵</sup> نیز مسئولیت دریافت تمامی برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ی خارجی، سانسور و گزینش آن و در نهایت ارائه‌ی آن به مخاطب به صورت اشتراکی (پولی) است.

### ۴- قانون امنیت ملی یا قانون آی. اس. آی (ISA):<sup>۶</sup>

اگرچه سابقه‌ی این قانون به سال ۱۹۴۸ بازمی‌گردد، اما از سال ۱۹۶۲ و با هدف کنترل و سرکوب جریان‌های کمونیستی در مالزی با تأکید بیشتری مورد توجه و اجرا قرار گرفت.<sup>۷</sup> براساس قانون امنیت ملی «هر فردی تنها به گمان اینکه ممکن است تهدیدی علیه امنیت ملی این کشور محسوب شود، می‌تواند برای مدت نامعینی از سوی پلیس بازداشت شود». این قانون همچنین مقرر می‌دارد که فرد بازداشت شده بدون اینکه محاکمه شود، «گناهکار» فرض شده و می‌تواند به مدت ۶۰ روز در سلول انفرادی نگهداری شود. قانون امنیت ملی همچنین فرد مظنون را در دوران سلول انفرادی از حق دسترسی به وکیل یا مشاوره‌ی حقوقی محروم دانسته و به وزیر کشور مالزی اختیار تمدید مدت بازداشت فرد مظنون برای مدت دو سال را نیز می‌دهد.

1. Ming Kouk, Lim. 2013
2. Broadcasting Act
3. Communication and Multimedia Act
4. Media Prima
5. Astro
6. Internal Security Act
7. Fritz, N & Flaherty, M., 2003

نکته‌ی دارای اهمیت در خصوص قانون امنیت ملی این است که قانون‌گذار تفسیر «امنیت ملی» را بر عهده‌ی نیروهای پلیس در هر رده‌ای گذاشته است. به بیان دیگر، هر نیروی پلیس با هر درجه‌ای قادر است در صورت احساس به خطر افتادن امنیت ملی، اقدام به بازداشت فرد یا افراد نماید. افزون بر آن، اگرچه قانون‌گذار سقف بازداشت افراد تحت این قانون را دو سال ذکر نموده، اما باز هم قانون‌گذار دست وزیر کشور را در تمدید آن به مدت نامعلوم باز گذاشته و تاریخ این کشور شاهد موارد بازداشتی تا سقف شش سال نیز بوده است.<sup>۱</sup>

قانون امنیت مالزی یکی از جنجالی‌ترین قوانین مالزی بوده و همواره مورد اعتراض گروه‌های مختلف داخلی و خارجی بوده است. در اواخر سال ۲۰۱۱ و پس از کشیده شدن دامنه‌ی جنبش‌های اعتراضی اخوان المسلمین به این کشور، نجیب تون رزاق، نخست‌وزیر کنونی، وعده‌ی اصلاح این قانون و جایگزینی آن با قانون جدیدی را داد که از یک‌سوی تأمین‌کننده‌ی امنیت این کشور باشد و از سوی دیگر محدودیت‌هایی در اختیارات پلیس، در بازداشت افراد اعمال نماید. بر همین اساس، پارلمان مالزی در اوایل سال ۲۰۱۲ قانون «جرایم امنیتی (اقدامات ویژه)»<sup>۲</sup> را جایگزین قانون امنیت ملی کرد. بر اساس قانون جدید، پلیس قادر به حبس افراد مظنون به نقض امنیت ملی به مدت ۴۸ ساعت بوده و این میزان حداکثر تا ۲۸ روز قابل تمدید است.

##### ۵- قانون اسرار رسمی:<sup>۳</sup>

قانون اسرار رسمی ابتدا در سال ۱۹۷۲ میلادی تصویب و بر اساس آن «افراد از گرفتن اطلاعاتی که گمان می‌رود اسرار رسمی و دولتی باشد و از ترس اینکه ممکن است در اختیار دشمنان قرار گیرد، منع شده‌اند». این قانون سپس در سال ۱۹۸۷ میلادی و پس از بحران اعتراضات مخالفان دولت اصلاح و به نوعی تقریباً تمامی مدارک و مستندات رسمی و دولتی را ذیل اسرار رسمی قرار داده و بدین ترتیب دسترسی روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها به آن‌ها را غیرقانونی ساخت.

بند یک قانون اسرار رسمی «افراد را از تلاش برای کسب اطلاعات از منابع دولتی یا افرادی که این اسرار را به سرقت برده‌اند، منع می‌کند». در حالی که بند ۱۱، ۱۲ و ۱۳ این قانون مقرر می‌دارد که نگه داشتن اسرار رسمی، افشا یا انتشار آن جرم بوده و فرد یا افراد خاطی ممکن

۱. تاکنون افزون بر فعالان سیاسی و اجتماعی، روزنامه‌نگاران زیادی با عنوان قانون امنیت ملی بازداشت شده‌اند که مهمترین آن‌ها، راجا پترا کمرالدین، سردبیر روزنامه‌ی آنلاین مالزی امروز (Today Malaysia)، ترسا کوک، نماینده‌ی مجلس و ستون‌نویس روزنامه‌ی سین چیو و تان هون چنگ، گزارشگر روزنامه‌ی سین چیو بوده‌اند.

2. Security Offences (Special Measures)

3. Official Secret Act

است تا سقف هفت سال به زندان محکوم شوند.

#### ۶- قانون فتنه<sup>۱</sup>:

قانون فتنه یکی دیگر از قوانینی است که از سنگاپور و از زمانی که تحت استعمار بریتانیا بود، آغاز شد. این قانون در اتحادیه‌ی مالایا با آغاز قیام کمونیست‌ها در سال ۱۹۴۸ مطرح شد. هدف از این قانون، کنترل هرگونه اختلاف نظر با حاکمیت و دولت است. پس از شورش‌های خونین قومی سال ۱۹۶۹، دامنه‌ی این قانون گسترش یافت و موارد بسیاری تحت عنوان عوامل «فتنه‌انگیز» ذیل این قانون قرار گرفتند.

بر اساس این قانون، هرگونه پرسش در مورد یا برای به چالش کشیدن دین/اسلام، نظام پادشاهی، وضعیت شهروندی و مالایی‌ها، حقوق ویژه‌ی مالایی‌ها (بومی پوترا)، اقتدار حاکم و زبان ملی این کشور، جرم محسوب می‌شود. این قانون موارد جرم را شامل «هرگونه نوشته‌ی چاپی از قبیل جزوه، کتاب، مجله، نشریه، روزنامه و نیز هرگونه کلمه، جمله یا سخنرانی ضبط شده در ارتباط با موارد فوق یا هرگونه دست داشتن در واردات یا صادرات یا خرید و فروش چنین مطالبی» دانسته و برای افراد خاطی تا سقف سه سال زندان و در صورت تکرار آن، تا سقف پنج سال زندان در نظر گرفته است. بر اساس این قانون همچنین مجوز نشریه یا رسانه‌ی خاطی نیز تا سقف سه سال و در صورت تکرار تا سقف پنج سال لغو می‌شود.

تعدیل قانون فتنه، همچون تعدیل *قانون امنیت ملی مالزی*، از جمله وعده‌های اصلاحی نجیب تون رزاق، نخست‌وزیر مالزی در مبارزه‌های انتخاباتی سال ۲۰۰۸ و ۲۰۱۳ بود. با این وجود، این قانون همچنان از سوی پلیس و محاکم قضایی مورد استناد قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup>

#### ۷- قوانین مربوط به اینترنت و فضای وب:

مالزی از اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ و با هدف جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در صنعت فناوری اطلاعات و ارتباطات این کشور به ویژه سوپر کریدور مولتی‌مدیای<sup>۳</sup> این کشور سیاست‌های باز و لیبرالی در خصوص اینترنت و آنچه در فضای آن می‌گذرد، اتخاذ کرد.<sup>۴</sup>

با این وجود در سال‌های اخیر و پس از آشکار شدن اثرات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی آزادی اینترنت، به ویژه رسانه‌های اجتماعی بر جامعه‌ی جوان این کشور، زمزمه‌های آغاز سیاست‌گذاری در خصوص اینترنت و عمدتاً با هدف محدود کردن آن به گوش می‌رسد.

در ژوئیه‌ی ۲۰۰۶، وزیر اطلاعات مالزی از ضرورت کنترل دولت بر محتوای اینترنت سخن گفت و آن را به نفع شبکه‌های اینترنت دانست؛ چرا که نظارت دولت باعث جلب اعتماد مخاطبان

1. Sedition Act

2. Saleem Faruqui, S. & Ramanathan, S., 1998

3. Multimedia Super Corridor

4. McDaniel, 2002, p 50

می‌شود.<sup>۱</sup> به دنبال آن، معاون امنیتی وزارت کشور مالزی نیز از احتمال تعمیم قانون «کسب مجوز» رسانه‌های چاپی به رسانه‌های اینترنتی سخن راند.<sup>۲</sup> اگرچه هنوز این گفته‌ها به مرحله‌ی اجرایی نرسیده است، با این وجود همه‌روزه اخبار مربوط به تهدید مقامات سیاسی به برخورد قانونی با جرایم رسانه‌ای در فضای اینترنت شنیده می‌شود و حتی موارد زیادی از بازداشت و برخورد با روزنامه‌نگاران آنلاین، بلاگرها و کاربران رسانه‌های اجتماعی به گوش می‌رسد.<sup>۳</sup>

### ب- کنترل از طریق مالکیت رسانه‌ها

مالزی از جمله اولین کشورهای آسیایی بود که «موج جهانی خصوصی‌سازی رسانه‌ها»<sup>۴</sup> را با این اعتقاد که خصوصی‌سازی می‌تواند راه میان‌بری از یک‌سو برای دستیابی به جایگاه کشورهای صنعتی و از سوی دیگر برای منحرف کردن نگاه مخاطبان از کنترل و نظارت دولتی» باشد، پذیرفت.<sup>۵</sup>

در همین راستا دولت با هدف آزادسازی شبکه‌های رسانه‌ای عمومی، بسیاری از آن‌ها را به سایر بخش‌ها واگذار کرد؛ هرچند این واگذاری هرگز واقعی تلقی نشده و آنچه در عمل اتفاق افتاد، انتقال مالکیت آن‌ها از دولت به شبه‌دولتی‌ها<sup>۶</sup> بود.

اگر ائتلاف حاکم «باريسان نشنال»<sup>۷</sup>، متشکل از سه حزب «مالایی آمنو»<sup>۸</sup>، حزب چینی تبار «ام. سی. آی»<sup>۹</sup> و حزب هندو تبار «ام. آی. سی»<sup>۱۰</sup> را از نظر مالکیت‌شان بر رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی این کشور بررسی کنیم، می‌توان نتیجه گرفت که بیش از ۹۰ درصد وسایل ارتباط جمعی و فضای رسانه‌ای و مطبوعاتی این کشور همچنان در اختیار کامل دولت قرار دارد.

1. Puah, P. 2006

2. Print media: leash internet media too. 2006, July 27

۳. در سال ۲۰۰۷، نتانیل تان، بلاگر مالزیایی، پس از آنکه یک خواننده‌ی ناشناس اتهاماتی در خصوص فساد مالی معاون نخست‌وزیر این کشور در قسمت نظرات خوانندگان وبلاگ وی منتشر ساخت، بازداشت شد. همچنین در ژوئیه ۲۰۱۲، سید عبدالحسین العطاس، بلاگر مشهور مالزیایی نیز پس از آنکه در وبلاگ خود در خصوص خانواده‌ی سلطان ایالت جوهور بارو افشاگری کرد، بازداشت شد. در ماه ژوئن سال ۲۰۱۴ نیز دادگاه فدرال مالزی کار رسیدگی به شکایت نخست‌وزیر این کشور از نظر یکی از خوانندگان وبسایت خبری مالیزیا کینی که در آن دولت مالزی به فساد اقتصادی متهم شده بود، را آغاز کرد.

4. Global Wave of Media Privatization

5. McDaniel, 2002, p 50

6. Government Link Organization (GLO)

7. Barisan National

8. United Malays National Organisation (UMNO)

9. Malaysian Chinese Association (MCI)

10. Malaysian Indian Congress (MIC)



مالکیت بنگاه رسانه‌ای مدیا پریما، در دست حزب مالایی تبار/آمنو، اصلی‌ترین حزب در ائتلاف حاکم بر این کشور بوده و رئیس این شرکت به‌طور مستقیم توسط این حزب انتخاب می‌شود. این بنگاه رسانه‌ای مالک چهار شبکه‌ی تلویزیونی عمومی رایگان، چهار روزنامه‌ی کثیرالانتشار از جمله روزنامه‌ی مشهور «نیو استریتز تایمز»، «بریتا هاریان» و «مالای میل»، سه ایستگاه رادیویی، چهار انتشارات و یک شرکت رسانه‌ای مدرن است.

افزون‌بر آن، بنگاه رسانه‌ای «انتشارات/ستار»<sup>۱</sup> نیز در اختیار حزب چینی‌تبار/ام. سی. آی، دومین حزب قدرتمند در ائتلاف حاکم قرار دارد که خود به تنهایی مالکیت ۱۶ وبسایت اطلاع‌رسانی در زمینه‌های مختلف، هشت رسانه‌ی چاپی از جمله روزنامه‌ی انگلیسی‌زبان مشهور «ستار» و روزنامه‌های چینی‌زبان «سین چیو»، «جیت پوح» و «انیانگ سیانگ»، سه ایستگاه رادیویی، یک شبکه‌ی تلویزیونی ماهواره‌ای و دو شرکت تولید محتوای رسانه‌ای است. رئیس این انتشارات که از نظر قانونی خصوصی محسوب می‌شود نیز به‌طور مستقیم از سوی حزب/ام. سی. آی منصوب می‌شود.

افزون‌بر همه‌ی این‌ها، شبکه‌ی/استرو، بزرگترین ایستگاه پخش ماهواره‌ای مالزی نیز توسط «آناندا کریشاننا»<sup>۲</sup>، سرمایه‌دار بزرگ وابسته به دولت که همچنین شرکت ارتباط راه دور «بیناریانگ»<sup>۳</sup>، دو ماهواره‌ی مالزیایی «میست ۱» و «میست ۲»<sup>۴</sup> و نیز شبکه‌ی «ماکسیس»<sup>۵</sup>، بزرگترین شرکت تلفن همراه این کشور را در اختیار دارد، اداره می‌شود.

در مقابل تعداد زیادی رسانه و مطبوعات دولتی در مالزی، تعداد بسیار معدودی رسانه‌های اپوزیسیون قرار دارند که تنها به صورت آنلاین فعالیت می‌کنند؛ چرا که تقاضای آن‌ها برای انتشار و توزیع نسخه‌ی چاپی مطالب‌شان یا درخواست‌های‌شان برای راه‌اندازی ایستگاه‌های تلویزیونی و رادیویی از سوی دولت، همواره رد شده است. از جمله مهم‌ترین این رسانه‌ها می‌توان به وبسایت خبری «مالیزیا اینسایدر»<sup>۶</sup> و «مالیزیا کینی»<sup>۷</sup> اشاره کرد.

موضوع مالکیت رسانه‌ها در مالزی بحث‌های زیادی در بین محافل آکادمیک و رسانه‌ای از نظر محدودسازی تکثرگرایی و رقابتی کردن تولید محتوا در برنامه‌های رسانه‌ای ایجاد کرده است که در نهایت به ضرر صنایع رسانه‌ای و علایق عمومی تمام خواهد شد.<sup>۸</sup>

1. Star Publication
2. Ananda Krishnan
3. Binarian Bhd
4. Measat-1 and Measat2
5. Maxis
6. Malaysiansinsider.com
7. Malaysiakini.com
8. Writers alliance for Media Independence (WAMI)

### نظام رسانه‌ای و مطبوعاتی مالزی

با توجه به تاریخی متفاوت شکل‌گیری و توسعه‌ی رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی در مالزی با آنچه در ادبیات رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی غرب در متون نظری مطرح شده است، گنجاندن مدل ارتباطی و رسانه‌ای مالزی در هریک از نظام‌های رسانه‌ای غربی چندان آسان به نظر نمی‌رسد؛ هرچند تلاش‌هایی برای آن صورت گرفته است. برای مثال "مینز" در سال ۱۹۹۶ با اشاره به چهار نظام کلاسیک مطبوعاتی که از سوی سبیرت، پیترسون و شران معرفی شده، با تسامح از مدل مطبوعاتی و رسانه‌ای مالزی به عنوان مدل «دیکتاتوری نرم»<sup>۱</sup> یاد کرده است.<sup>۲</sup>

در یک چارچوب تحلیلی دیگر، «جیمز کارن»<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۰ با تأکید بر تجربه‌های کشورهای در حال توسعه به دنبال ترسیم مدلی از نظام‌های رسانه‌ای است که در آن بر نقش نخبگان سیاسی و اقتصادی و ارتباط آن‌ها با رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی تأکید می‌شود. وی چهار مدل نظام رسانه‌ای به شرح ذیل ارائه می‌دهد: ۱- مدل رسانه‌ای روسیه در دوران معاصر است که در آن نخبگان اقتصادی از طریق قدرت اقتصادی و مالی‌شان به اعمال نفوذ در محافل سیاسی و قدرت حاکم می‌پردازند. ۲- مدل رسانه‌ای کشورهای مالزی، کره جنوبی و تایوان است که در این مدل، گروه پیشرو نخبگان سیاسی هستند که از طریق رسانه‌ها به نفوذ قابل توجهی بر مردم، افکار عمومی و سایر گروه‌های اجتماعی دست یافته‌اند. ۳- مدل رسانه‌ای کشورهای آمریکای لاتین است که در آن ائتلافی از نخبگان اقتصادی و سیاسی در تلاش هستند تا از طریق رسانه‌ها مقبولیت عمومی را در جامعه به دست آورند و ۴- مدل صنفی لیبرال متعلق به کشورهای اروپایی همچون سوئد و انگلیس است که بر اساس سیستمی از تقسیم قدرت بین نیروهای مختلف جامعه از جمله سرمایه‌دار، کارگر و دولت شکل می‌گیرد.<sup>۴</sup>

در یک طبقه‌بندی دیگر، «پروفیسور محمد صفر هاشم»، با اصل محور قرار دادن «دولت» در مدیریت و توسعه‌ی ارتباطات و رسانه‌ها در کشور مالزی، تاریخ ۲۰۰ ساله‌ی رسانه‌ها و مطبوعات در مالزی را به طور کل به دو دسته‌ی الف- پیش از استقلال، شامل ۱- دوره‌ی سانسور (۱۸۳۵-۱۸۰۶) و ۲- دوره‌ی آزادی مطبوعات (۱۹۲۰-۱۸۳۵) و ب- دوره‌ی پس از استقلال، شامل ۱- دوره‌ی بازبینی قوانین و آئین‌نامه‌های گذشته (۱۹۶۱- تا دوران معاصر) و ۲- دوره‌ی مالکیت سیاستمداران یا نمایندگان دولت بر آن‌ها (که با نشریه‌ی *اوتوسان ملایو* آغاز شد) تقسیم می‌کند.

1. Soft Authoritarianism
2. Means, 1996
3. James Curran
4. Curran, J., 2000

با توجه به نظریه‌پردازی‌های صورت گرفته در ارتباط با نظام رسانه‌ای و مطبوعاتی مالزی، به طور کلی آنچه از تاریخ تحول در مطبوعات و رسانه‌های این کشور می‌توان برداشت کرد، این است که کنترل و نظارت دولتی بر مطبوعات و رسانه‌های این کشور از ابتدا وجود داشته و سیاستگذاری و مقررات‌گذاری ارتباطی همواره منجر به کنترل بیشتر دولت و نیز محدودتر شدن رسانه‌ها شده است، که این امر به اعتبار نگاه رسمی (طرفدار الگوی بومی) به فلسفه‌ی وجودی رسانه‌ها، باعث گذار تاریخی رسانه‌ها از «دشمنی با دولت، به مشارکت با دولت» شده است و به اعتبار نگاه منتقد (طرفدار الگوی غربی) به ماهیت رسانه‌ها، باعث افزایش پدیده‌ی «سانسور و خودسانسوری» به ویژه در مورد مسائل حساس سیاسی و امنیتی شده است.<sup>۱</sup>

بر این اساس، نظام رسانه‌ای و مدل ارتباطی مالزی را می‌توان نظام «کنترل دولتی و مالکیت دولتی»<sup>۲</sup> با هدف جلب و مدیریت مشارکت آن‌ها در نقشی دانست که دولت (نگاه حاکم) برای آن‌ها در فرآیند توسعه تعریف کرده است.<sup>۳</sup> بدین معنا که رسانه‌ها و وسایل ارتباطی همواره از سوی نخبگان سیاسی (در قدرت) چه به صورت مستقیم (از طریق مالکیت) و چه به صورت غیرمستقیم (از طریق قانون‌گذاری) کنترل شده‌اند؛ به طوری که این سازوکارهای کنترل افزون بر نقشی که برای آن‌ها در فرآیند توسعه تعریف شده است از یکسو منجر به محدود شدن رسانه‌ها به معنای کاهش یا حذف رسانه‌های غیرهمسو و از سوی دیگر باعث مدیریت مشارکت [هرچند اجباری]<sup>۴</sup> همه‌ی آن‌ها در فرآیندهای دولتی شده است.

### چشم‌انداز رسانه‌ها، مطبوعات و جریان ارتباط؛ چالش‌های پیش رو

آغاز قرن ۲۱ برای مالزی سرآغاز تغییر و تحولات شگرفی با محوریت ارتباطات و فناوری اطلاعات در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بود. اثرات جهانی‌سازی و تغییر و تحولات سریع فناوری ناشی از ظهور جامعه‌ی اطلاعاتی، چشم‌انداز رسانه و مخاطب در این کشور را دگرگون ساخت. جامعه‌ی مالزی و به ویژه نسل جوان آن که هر روز بیش از پیش در معرض بمباران اطلاعاتی رسانه‌های مختلف قرار می‌گیرند، دچار بحران هویت شده و معانی

1. Loh & Khoo, 2002

2. State Owned and State -Controlled

3. George, C, 2006

۴. در خصوص «مشارکت» و نوع آن تاکنون مباحث زیادی مطرح شده است. لنت به نقل قولی از سردبیر نشریه‌ی مالایی میل اشاره می‌کند که می‌گوید: «زمانی که نخست‌وزیر از ما می‌خواهد تا در مورد چیزی مطلب بنویسیم، این سانسور یا کنترل نیست؛ او در واقع به ما اجازه می‌دهد به روشی که خودمان می‌خواهیم، بنویسیم! ... ما در واقع مشارکت می‌کنیم». لنت در ادامه‌ی مباحث خود، اگرچه این نوع مشارکت را مشارکت اجباری می‌نامد، اما آن را پدیده‌ای رایج در بین رسانه‌ها و مطبوعات مالزی، اعم از رسمی و مخالف می‌داند.

«ساخت اجتماعی»<sup>۱</sup> آن‌ها دگرگون شده است.<sup>۲</sup>

اگرچه بسیاری از نخبگان، تحلیلگران و نهادهای دانشگاهی این کشور خیلی سریع شکل‌گیری دوران جدید و آسیب‌های آن برای جامعه‌ی متکثر مالزی را پیش‌بینی کرده و دولت نیز سیاست‌هایی در قالب «مدیریت دوران گذار»<sup>۳</sup> طراحی و به اجرا گذاشتند، اما سرعت این تغییر و تحولات و به دنبال آن بروز و ظهور جریان‌ها و نیروهای جدید سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جدید، بیش از سرعت هیئت حاکمه‌ی مالزی در مدیریت آن بود.

واقعیت این است که مالزی برخلاف تلقی تاریخی از فرآیند توسعه، هنوز دوره‌ی توسعه‌ی صنعتی را تمام نکرده، همسو با کشورهای جهان اول وارد عصر اطلاعات و آی. تی و اقتصاد مبتنی بر دانش شد. رشد تولید ناخالص ملی از قبیل توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات و صنعت نرم‌افزار، باعث پیش‌افتادگی تکنولوژیکی سریع این کشور شد. اما این پیش‌افتادگی سریع تکنولوژیکی، پیامدها و آسیب‌های جدی به ویژه از نظر فرهنگی، ارتباطی، اجتماعی و حتی دینی متوجه جامعه‌ی این کشور کرد. به بیان دیگر، اگرچه مالزی از نظر تکنیکی و فناوری توانست به سرعت و همسو با کشورهای پیشرفته در فرآیند جهانی‌سازی ادغام شود، اما این سرعت در ادغام یک‌سویه با هزینه‌ی غفلت از توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بوده است. بدین معنا که به موازات رشد اقتصادی و تکنولوژیکی، فرهنگ‌سازی لازم، توسعه‌ی بسترهای سیاسی، ارتباطی، اجتماعی و آموزشی مورد نیاز، تحکیم استوانه‌های دولت-ملت واحد، شکل‌گیری نهادها و عناصر جامعه‌ی مدنی صورت نگرفت و همین امر باعث آنچه شد که می‌توان «پس‌افتادگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی» نامید.

در حوزه‌ی رسانه‌ها و ارتباطات، ظهور رسانه‌های اجتماعی با قدرت نظارت‌گریزی که دارند و نیز توانایی آن‌ها در فراهم ساختن «ارتباط جمعی خودانگیز»<sup>۴</sup> در بین مردم از طریق فضاهای جدید ارتباطی که به ارمغان آوردند<sup>۵</sup>، خط بطلانی بر مبانی فلسفی نگاه حاکم مالزی به جریان ارتباط و رسانه‌های جمعی انداخته است، اما دولت همچنان در عصر ارتباطات توده‌ای با همان چارچوب‌ها و مبانی فلسفی تاریخی‌اش باقی مانده و از ظهور عصر رسانه‌ای جدید «غفلت»<sup>۶</sup>

1. Social construction
2. Wood, A.T., 2004
3. Managing of Transformation Era
4. Mass Self Communication
5. Castells, 2000

۶. اصطلاح «غفلت» اشاره دارد به اظهارات عبدالله احمد بدایوی، نخست‌وزیر وقت مالزی در سال ۲۰۰۸ که پس از شکست سنگین حزبش در انتخابات پارلمانی گفت: «ما از فضای وب و رسانه‌های اجتماعی غفلت کردیم. در حالی که ما بر رادیو و تلویزیون و دیگر رسانه‌های چاپی متمرکز بودیم، آن‌ها [پوزیسیون] در فضای رسانه‌های اجتماعی، جایی که رأی‌دهندگان جوان در آن پرسه می‌زدند، حضور داشتند».

کرده است.<sup>۱</sup>

در مالزی قرن بیست و یک، شبکه‌های اجتماعی مرکز گریز و رسانه‌های متعامل دیگر به وسایل ارتباطی جمعی و تبلیغی دولتی اجازه‌ی ترویج تک‌صدایی در جامعه‌ی متکثر این کشور را نمی‌دهد. از دیدگاه مخاطب، «توده» محکوم به استفاده از رسانه‌های جمعی دولتی گذشته به «مخاطب» فعال و انتخاب‌گر در میان جریان‌های مختلف اطلاعات و ارتباطات تبدیل شده است. از نظر جریان ارتباط و تولید محتوا نیز، مدل اطلاع‌رسانی عمومی و جریان نامتقارن دولتی و نخبگان سیاسی-اقتصادی وابسته به آن به طور وسیعی جایگزین جریان اطلاع‌رسانی دوسویه‌ی متقارن در دست جریان‌ها و نیروهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جدید در فضای وب شده است. از دیدگاه نوع ارتباط نیز نگاه «محصول محور» معطوف به بازار «مخاطبان ساده»، جایگزین نگاه «جامعه‌محور» در بین رسانه‌ها و شبکه‌های ارتباطی جریان‌های مخالف شده است.

افزون بر همه‌ی این‌ها، با وجود گسترش نفوذ اینترنت، گسترش روزافزون روزنامه‌نگاری شهروندی و روزنامه‌نگاری آنلاین، افزایش تعداد کاربران شبکه‌های اجتماعی همچون فیسبوک، توئیتر، واتس‌آپ، اینستاگرام و از آن مهم‌تر تأثیر چشمگیر آن‌ها در شکل‌گیری جریان‌های اجتماعی و افکار عمومی<sup>۲</sup>، مالزی همچنان فاقد یک سیاست مدون و مجموعه قوانین و مقررات پیشرفته در ارتباط با رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی بوده و دولت همچنان از تعمیم مجموعه قوانین مربوط به رسانه‌های چاپی به فضای اینترنت و رسانه‌های وب‌محور و دیگر شبکه‌های اجتماعی سخن می‌گوید<sup>۳</sup>؛ قوانینی که ناکارآمدی آن‌ها حتی در ارتباط با رسانه‌های چاپی و صوتی و تصویری نیز ثابت شده بود.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در دوران معاصر مالزی و به خصوص پس از قدرت گرفتن جریان‌ها و نیروهای طرفدار نگاه منتقد و آترناتیو، بر اثر فشارهای طرفداران این نیروها، هرچند کنترل و نظارت دولت بر رسانه‌ها و وسایل ارتباطی این کشور از طریق اصلاح برخی قوانین، تعدیل و گاه کاهش یافته است، اما همچنان با مقاومت‌هایی از سوی دولت همراه بوده و این نظارت و کنترل کم و بیش از طریق مسئله‌ی «مالکیت» تداوم یافته است.<sup>۴</sup>

1. Atkins, W, 2002

۲. اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی در جریان‌سازی و تهییج افکار عمومی در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۳ به حدی بود که نخست‌وزیر این کشور آن را نخستین انتخابات رسانه‌های اجتماعی در مالزی نامیده بود.

3. Zaharom, N. & Mustafa, K.A. 2000

4. Georg, C., 2006 & Lee Kouk Tiung & Mohd Safar Hasim. 2009

اما در شرایط پس از سال ۲۰۰۰ و با بروز عواقب ناشی از جهانی‌سازی و ظهور جامعه‌ی اطلاعاتی، چشم‌انداز شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای این کشور به کلی دگرگون شده است. نسل جوان مالزی دیگر نه حاضر به بازیابی خود در درون قالب‌ها و برساخت‌های قدیمی مؤلفه‌های هویتی همچون نژاد، زبان و قومیت است که همواره از سوی رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی دولتی تبلیغ می‌شد و نه دغدغه‌ی آن را دارد. در عوض مایل است در قالب «شهروند جهانی» به بازتعریف هویت خود بپردازد و در این راستا رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی کمک شایانی به آن‌ها کرده‌اند.

پیامد دوره‌ی جدید، ناکارآمدی نگاه‌ها و سیاست‌های قدیمی و کهنه به رسانه‌ها و ارتباطات جمعی و ضرورت بازبینی در نوع نگاه به آن‌ها با توجه به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های رسانه‌های اجتماعی مدرن همچون اصل نظارت‌ناپذیری، اصل مرکز‌گریزی و اصل مخاطب فعال است. در این خصوص آنچه باید صورت پذیرد ایجاد یک موقعیت بُرد-بُرد برای همه‌ی طرف‌ها (هم طرفداران نگاه رسمی و هم طرفداران نگاه آلترناتیو) در تمامی ابعاد و مؤلفه‌های ارتباطی همچون قانون‌گذاری، مالکیت، تولید محتوا و جریان اطلاعات است. به‌طور کامل روشن است که دولت و به‌طور کل طرفداران نگاه رسمی به دلایل مختلف از جمله پیشینه‌ی تاریخی و نیز عدم آشنایی با پیامدهای آن، تمایلی به اصلاح رویکرد کنونی خود یا لغو مجموعه قوانین مربوط به رسانه‌ها و وسایل ارتباطی یا بازتعریف آن را در قالبی جدید با توجه به شرایط نوین ندارد. اما اگر همچنان معتقد به ترویج الگوی بومی از توسعه‌ی همراه با ایفای نقش تاریخی رسانه‌ها و وسایل ارتباطی در قالب نقش از پیش تعریف شده در آن است، باید به بازنگری جدی در مبانی نظری و فلسفی خود به رسانه‌ها و وسایل ارتباطی پرداخته و شرایط نوین را بپذیرد.

## منابع

- قنبری، عباس (۱۳۹۳). «رادیوی دانشگاهی: نگاهی به تجربه‌ی کشورهای در حال توسعه». مقاله‌ی ارائه‌شده به پنجمین اجلاس جهانی صدا. تهران: مرکز همایش‌های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.

- Abdul Samad Ismail. (1989). **Siri Kuliah, Jabatan Pengajian Media**, Fakulti Sastera & Sains Sosial, University Malaya, Kuala Lumpur.
- Atkins, W. (2002). **The politics of Southeast Asia's new media**. London: Curzon Press.
- Castells, M. (2000). **The Information Age, Economy, Society and Culture**, Volume 1. The Rise of the Network Society, London: Blackwell Publishing.
- Chan, J. M. (2000). "No Culture is an Island". In Wang, G, Servaes, J & Goonasekara, A. (eds). **The New Communications Landscape Demystifying Media Globalisation**. Routledge: London and New York.
- Constitution of Malaysia
- Curran, James. 2000. "**Rethinking Media and Democracy**". In J. Curran and M. Gurevitch (eds). **Mass Media and Society**, 120-154. London: Arnold.
- Fritz, N. & Flaherty, M. (2003). "**Unjust order: Malaysia's Internal Security Act**". Princeton Law and Public Affairs". Working Paper Series No.03-011. Available from [http://ssrn.com/abstract\\_id=447802](http://ssrn.com/abstract_id=447802).
- George, C. (2006). **Contentious journalism and the internet: Towards democratic discourse in Malaysia and Singapore**. Singapore: Singapore University Press.
- Gomez, E.T. (2004). **The state of Malaysia: Ethnicity, equity and reform**. London: Routledge Curzon.
- Hashim, M., H., 2006. "Freedom and Control of the Media in Malaysia". In **Media and Muslim Society**. 2006. (Ed.). Mohd. Yusof Hussain .IIUM Press, Malaysia.
- Hamzah, A., 2009. "Malaysia's Role in National Development: Media Policy and National Stability". **Malaysian Journal of Media Studies**. Volume, Vol. 11, No. 1, 2009, Pages 49-58.
- Khattab, U. (2006). "Non mediated images: Public culture and (state) television in Malaysia". **The International Communication Gazette**. 68(4): 347-361.
- Lee Kouk Tiung & Mohd Safar Hasim. (2009). "Media Framing of A Political Personality :A Case Study of A Malaysia Politician European". **Journal of Social Science**. Vol 9, No 3. 408-424.
- Lent, J. A. (1978). "Malaysian mass media: Historical and contemporary perspectives". **State University of New York at Buffalo**. Special Studies Series.
- Loh & B.T. Khoo. (2002). **Democracy in Malaysia: Discourses and practices**. (Eds.). Curzon Press.
- Mahathir Mohamad. (2001). **Islam and the Muslim Ummah**, Kuala Lumpur: Pelanduk Publications.

- McDaniel, D. (2002). **Electronic tigers of Southeast Asia: The politics of media, technology, and national development**. Iowa: Iowa State University Press.
- Means, G. P. (1996). "Soft authoritarianism in Malaysia & Singapore", **Journal of Democracy** .Vol 7, No 4, October.
- Means, G. P. (1991). **Malaysian politics: The second generation**. New York: Oxford.
- Ming Kouk, Lim. (2013). "**The State of Media Control**". Kuala Lumpur. International Communication Association.
- Mustafa, K.A.(2002). "Defining democratic discourse: The mainstream press". In K. W. F.
- Puah, P. (2006, February 16). "**Zam you are not the editor of the Malaysian media**". Retrieved February 16, 2006 from [www.malaysiakini.com.my](http://www.malaysiakini.com.my).
- **Print media: leash internet media too**. (2006, July 27). Retrieved July 27, 2009 from: [www.malaysiakini.com.my](http://www.malaysiakini.com.my)
- Saleem Faruqui, S. & Ramanathan, S. (1998). **Mass media laws and regulations in Malaysia**. Singapore: Asian Media Information and Communication Centre.
- Siebert, F. S., T. Peterson & Schramm, W. (1956). **Four Theories of the Press**. Urbana, II :University of Illinois Press.
- Syed Arabi Idid. (2005). **Institute of public relations Malaysia: a historical perspective**. Kuala Lumpur: International Islamic University Malaysia.
- Wang, L. K., "Media and Democracy in Malaysia". **The Public**, 8(2), 67-88.
- Wood, A.T. (2004). **Asian democracy in world history**. New York: Routledge.
- Yusof Hussain, M. (2006). **Media and Muslim Society**. (Ed.) Malaysia, IIUM Press.
- Za'ba (Zainal Abidin bin Ahmad) (1941). "**Malay Journalism in Malaya**". In *JMBRAS*,XIX, 2, pp. 244-250.
- Zaharom, N. & Mustafa, K.A. (1998). **Ownership and control of the Malaysian media**. Available from: [http://www.wacc.org.uk/wacc/publications/media\\_development/archive/1998\\_4/ownership\\_and\\_control\\_of\\_the\\_malaysian\\_media](http://www.wacc.org.uk/wacc/publications/media_development/archive/1998_4/ownership_and_control_of_the_malaysian_media).
- Zaharom, N. & Mustafa, K.A. (2000). "**Marketing to the masses in Malaysia: Commercial television, religion and nation-building**". In French, D & Richards, M. (Eds). *Television in contemporary Asia*. New Delhi: Sage Publications.